

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان

## کسب فیض

حضور دوست ، چه دعوای شاعرانه کنم  
که نیست قدرت گفتار ، تا بهانه کنم  
نه علم و نه هنری دارم و نه کسب و کمال  
به چه بنازم و گردن بلند ز شانه کنم  
خبر نباشدم از عقل و از خرد هرگز  
به پا بایستم و ، گفتار عاقلانه کنم  
ز بس که مهر عزیزان فتاده در دل من  
به یک اشاره چنین منزل شبانه کنم  
اگر اشاره دیگر شود ، ازان ترسم  
که سیل اشک ، به سوی چمن روانه کنم  
کنون به پاس ادیبی که آمد از ره دور  
ز سوز دل طلب چنگ و گه چغانه کنم  
به بارگاه حضورش رسیده ام اکنون  
قلم بگیرم و توصیف واقعانه کنم  
حضور حضرت عالی شان همی خواهم  
همیشه باشم و خدمت به آستانه کنم

هر آن کسی که کند ، خدمتی به اهل قلم  
به مژده خاک رهش ، رویم و چمانه کنم  
اگرچه وقت ، بُود ضیق و راه منزل دور  
چه چاره است به جز ، شکوه از زمانه کنم  
چمن چمن گل مهر و وفا به مقدم شان  
بیاشم از سر اخلاص و دیده ، لانه کنم  
حضور اینهمه فرهنگیان و اهل ادب  
غنیمت است به تیری دلم نشانه کنم  
منم مرید می و ساقی و پیاله و جام  
مباد لحظه ای تا کار خودسرانه کنم  
بیامدم که شود ، کسب فیض از ایشان  
خدا کند که چنین کار عارفانه کنم  
به هر کجا که روم ، نیست در نظر جز او  
ز فضل حق همه جا ، کیف عاشقانه کنم  
گل است و بلبل و ساقی و جام در گردش  
نگاه گوشه چشمی ، به آن یگانه کنم  
خورده بیخود و مست و خراب و مدهوشم  
روم به دشت و دمن ، ترک آشیانه کنم  
اگرچه بابلی ، با عندلیب ، در مستیست  
بجاست ، گوش دلم کر ، ز هر ترانه کنم  
کنون که خامه «نعمت» شکسته بیرنگ است  
ز خون دل رقم و شرح این فسانه کنم